

گزارش "شهروند" از برگزاری "سمینار جنبش کارگری" در تورنتو

(بخش دوم و پایانی)

محمد تاج دولتی

tajdolati@shahrvand.com

از شهروند

در شماره گذشته "شهروند" (جمعه ۷ جون - ۱۷ خرداد) گزارش روز نخست برگزاری سمینار "جنبش کارگری ایران، موانع و چشم اندازها" که در روزهای اول و دوم جون ۲۰۰۲ در شهر تورنتو برگزار شد را خواندید. در روز دوم برگزاری سمینار دو پانل برگزار شد. نخستین سخنران پانل اول محمدرضا عاشوری، جامعه شناس و سردبیر ماهنامه اندیشه جامعه (چاپ ایران) بود که سخنان خود را با عنوان قانون کار، کارگران موقت و جنبش تھی دستان در ایران آغاز کرد.

سخنرانی محمدرضا عاشوری در پانل اول یکشنبه

محمدرضا عاشوری ضمن اشاره به تاریخچه تشکیل سندیکاها کارگری گفت:

"تشکیل حزب توده ایران و تشکیل سندیکاها کارگری و اعتصابات متفاوت و ناتوان بودن دولت های مستعجل پس از جنگ جهانی دوم مجموعه عواملی بود که حاصل آن را میتوان حساس شدن جامعه در استقبال از یک نظام قانونی برای سامان بخشیدن به مسائل کارگری فرض کرد. قبل از تشکیل وزارت کار، وزارت پیشه و هنر مسئول اجرای مقررات کار در کارخانجات و مؤسسات صنعتی بود و بدین منظور اداره مستقلی به نام اداره کل کار در وزارت پیشه و هنر تأسیس شد. در سال ۱۳۲۳ پارلمان از دولت وقت میخواهد که آئین نامه ای را برای تدوین قانون کار پیشنهاد کند. و برای اولین بار در ایران در سال ۱۹۴۵ در کنفرانس بین المللی کار به نمایندگانی که از ایران شرکت داشتند گفته شد که از تجارب گذشته استفاده کنند و قانونی را وضع کنند.

در سال ۱۳۲۵ طرح اولیه قانون کار تصویب شد و با تغییراتی که در آن به وجود آمد در سال ۱۳۳۷ قانون کار به تصویب رسید. پس از انقلاب بخش تجاری و مالی سرمایه داری ایران پشتیبانی از طرحی کردند که به قانون کار توکلی معروف است. از ابتدای سال ۵۸ وزارت کار و امور اجتماعی برای تدوین قانون کار اسلامی اقدام به نظرخواهی از گروه های مختلفی کرد که بیشتر از استادان دانشگاه بودند.

به این ترتیب طرحی تهیه شد در ۱۲ فصل و ۲۲۰ ماده و به مجلس داده شد و مجلس هم در سال ۱۳۶۴ بدون هیچ دخل و تصرفی آن را تصویب کرد. اما این قانون با موانع شورای نگهبان روبه رو شد.

قانون کار اسلامی در واقع طولانی ترین قانونی بود که در جمهوری اسلامی به تصویب رسید و تقریباً ۱۲ سال طول کشید و نهایتاً در سال ۱۳۶۹ از تصویب مجمع تشخیص مصلحت گذشت.

در این رابطه میتوان به یک نکته اساسی اشاره کرد و آن این که اعضای شورای نگهبان در زمینه ایجاد موانع برای تصویب قانون کار کاملاً به منافع طبقاتی خود آگاهی داشتند و به هیچ قیمتی حاضر نبودند که کوچکترین حق را با تصویب قانون کار به کارگران بدهند. محمدرضا عاشوری در ادامه سخنان خود گفت:

"پدیده جالبی که نه در قوانین کار وجود داشت و نه تجربه تاریخی گسترده ای در این زمینه در ایران وجود داشت، مسئله قراردادهای موقت بود. کار پیمانی یا قراردادهای موقت عبارت از کاری است که در آن کارفرمای اصلی بخش ها یا تمام نیروی کار خود را برای راحت شدن از درگیری با قوانین و مقررات تأمین اجتماعی و تشکیل های کارگری و خواست های صنفی آنان، قراردادهایی با مدت زیر یک سال میندند. در قرارداد کار در واقع کارگر با وجود این که برای کارفرمایی کار میکند و مزد میگیرد اما کارفرما در برابر او هیچ تعهدی ندارد.

شیوه ای که در چند سال اخیر در ایران رواج پیدا کرده این است که هر ماهی که کارگران حقوق خود را دریافت میکنند، فرمی را باید امضاء کنند که در آن نوشته شده تا آن تاریخ همه حقوق و مزایای خود را دریافت کرده و هیچ طلبی از کارفرما ندارند.

کارهای پیمانی در ایران توسط بخش دولتی از سال ۱۳۶۴ آغاز شد و نام آن را طرح بهره وری از بخش خدمات گذاشتند. ادعای دولت این بود که مستخدمین دولت از عهده مشاغلی که متعهد به آن هستند بر نمی آیند. و در صورتی که این کارها توسط پیمانکاران انجام شود علاوه بر آن که دولت تعهدی در برابر این دسته از کارگران نخواهد داشت میتواند تقاضای کار بیشتر با هزینه کمتری را بکند. یعنی دولت از سویی افراد را استخدام میکند و از طرف دیگر میگوید این افراد نمیتوانند کار خود را انجام دهند و باید کارشان به کارگران پیمانی و قرارداد موقت واگذار شود. بر اساس برآوردی که انجام دادم تا آخر سال ۱۳۶۴، حدود ۱۲۶ شرکت پیمانکاری توسط دولتمردان تأسیس شد که مناقصه های دولتی را هم به راحتی به دست می آوردند. این شرکت ها بیش از ۳۰ درصد کل قراردادهایی که توسط دولت با بخش خصوصی انجام شد را به عهده گرفتند.

تقریباً از سه دهه پیش که سمت گیری برای قوانین و مقررات کار توسط وزارت کار و اجتماعی و بازرسی کار به همراه سندیکاها آغاز شد، کارفرمایان برای فرار از قانون و ممانعت از اقدامات بازرسان کار به یک سلسله قراردادهایی اقدام کرده اند که این قراردادها از سال ۱۳۷۳ و روی آمدن دولت هاشمی رفسنجانی و برنامه تعدیل اقتصادی و اعمال سیاست های بانک جهانی و بحث خصوصی سازی و طرح های خارجی رواج بیشتری گرفته است.

محمد رضا عاشوری در پایان سخنان خود به وضعیت کنونی کارگران بویژه خیل عظیم بیکاران اشاره کرد و گفت: "در این ساختار و نبود سندیکاها مستقل کارگری و نهادهایی که از حقوق شهروندی و صنفی افراد حمایت کنند همراه با بحران ساختاری اقتصاد و نهادینه شدن اقتصاد دلالی در ایران و مطلقاً ارزش ندادن به بخش تولید شرایطی را به وجود آورده که به نظر میرسد بحران ها و تحولات اساسی در جامعه ایران در سال های اخیر توسط قشری به وجود خواهد آمد که در حاشیه خیابانها هستند.

این قشر عمدتاً جوانند و بخش عمده آنها تحصیل کرده هستند. بخش عمده ای از اینها هیچ چشم اندازی برای آینده خود نمی بینند و در برابر تضاد طبقاتی وحشتناکی قرار دارند. خیلی عظیم بیکاران در کنار کاخ های نوکیسگان و در بویزه گان سرمایه کینه و نفرت عمیق خود را در نگاه های پر معنایشان به نمایش میگذارند.

کار و نان هر روز در مناطق اصلی شهرهای بزرگ و بویژه در تهران ۱۴ میلیونی برای هر شهروند تهران صحنه ای آشنا و صدمه آساف آور است. بر اساس آخرین آمار اداره کل گذرنامه سال گذشته هر روز به طور متوسط ۱۵ کارشناس ارشد و نزدیک به ۳ پزشک از ایران خارج شده اند. در مجموع نزدیک به ۶ هزار کارشناس رده بالای ایران سال گذشته ایران را ترک کرده اند.

دکتر ناصر سعیدی و حوری صبا دیگر سخنرانان پانل

صبح یکشنبه

دکتر ناصر سعیدی، نویسنده و پژوهشگر مسائل کارگری مقیم آلمان سخنران بعدی پانل نخست در روز دوم سمینار بود. ناصر سعیدی پس از ترک ایران در خارج از کشور کمیته همبستگی با مبارزات مردم ایران را تشکیل داده و ۲۷ شماره از نشریه پویش را منتشر کرده است. سپس با توجه به علاقه به جنبش کارگری انجمن کارگران تبعیدی را شکل داد و مقالاتی درباره جنبش همبستگی کارگران لهستان و اتحادیه های کارگری در آلمان به چاپ رساند. بعدها همراه با زنده یاد میترا سترگ و جلیل محمودی ضمن تحقیق چند ساله درباره کمیته های کارخانه در اتحاد شوروی سابق اقدام به چاپ کتاب کمیته های کارخانه در انقلاب اکتبر کرد. سپس نشریه پژوهش کارگری را با همکاری چند تن دیگر تأسیس کرد که جلد ششم آن به زودی منتشر خواهد شد. از تألیفات دیگر دکتر ناصر سعیدی کتاب "شوق یک خیز بلند" است که در ماه جاری در ایران منتشر شد. این کتاب با همکاری جلیل محمودی تألیف شده است.

سخنان دکتر ناصر سعیدی با عنوان "ملاحظات درباره تشکل مستقل کارگری" در سه قسمت ارائه شد. در بخش اول دکتر سعیدی به انواع تشکل های کارگری که در جنبش کارگری ایران یا جهان وجود داشته اشاره کرد. در بخش دوم ویژگی های این تشکل ها مورد بررسی قرار گرفت و این که در ایران چرا خانه کارگر و تشکل های وابسته آن تشکل های مستقل کارگری نیستند و در واقع مانعی در این راه هستند. در بخش پایانی سعیدی اشاره ای کرد به شرایط امروز ایران و وضعیت فلاکت بار کارگران و همچنین جوانه های مثبتي که امروز در جنبش مردم ایران و جنبش کارگری وجود دارد و میتوان در آینده زمینه ای باشد برای ایجاد تشکل های کارگری.

دکتر سعیدی در بخش نخست سخنان خود گفت که به طور کلی هفت گروه از تشکل های کارگری را میشود از هم تشخیص داد. برخی از این تشکل ها در دو قرن اخیر در دوره خاصی به وجود آمده و بعد از بین رفته اند یا در دوره خاصی نفوذ زیادی داشته اند. برخی دیگر تشکل هایی هستند که هنوز هم وجود دارند و در ایران هم نمونه هایی از آن وجود داشته است. شکل اول و جنبینی تشکل های کارگری در واقع انتخاب نماینده است. در جوامعی که اختناق وجود دارد انتخاب نماینده شکل رایجی است اما دایره اختیارات نماینده محدود است.

شکل دوم تشکل های موقتی و ناپایدار هستند که حول یک خواسته و حرکت معین به وجود می آیند و معمولاً پس از به نتیجه رسیدن یا نرسیدن آن خواسته این تشکل ها از بین میروند مانند کمیته اعتصاب یا برگزاری یک آکسیون معین.

سوم، تشکل هایی هستند که وظیفه اصلی آنها صرفه جویی هزینه کارگران است یا یک سری خدمات اجتماعی برای کارگران در بر دارند مانند تعاونی مصرف، تعاونی مسکن، و غیره.

دسته چهارم، اتحادیه ها هستند که از لحاظ تاریخی با دوام ترین تشکل های کارگری هستند. اتحادیه ها از نظر سیاسی و تشکیلاتی تنوع بسیاری دارند اما مهمترین ویژگی آنها این است که اولاً سعی میکنند رقابت بین خود کارگران را کاهش دهند و ارزش نیروی کار را بالا ببرند.

دسته پنجم، تشکل هایی که به منزله الگو یا سلولی از جامعه نوین به حساب می آیند. مانند تعاونی های تولید یا مانند سندیکاها در جنبش سندیکالیستی فرانسه تا اوایل قرن بیستم که با اتحادیه های امروز تفاوت زیادی داشتند.

دسته ششم، تشکل هایی هستند که سلطه سرمایه را در تولید و امور اجرایی مؤسسات زیر سؤال میبرند مانند کمیته های کارخانه در انقلاب روسیه یا شوراهای ایران پس از انقلاب ۵۷ که تا سال ۶۰ همه آنها سرکوب شدند.

دسته هفتم، تشکل هایی هستند از نوع سوتی های روسیه در انقلاب ۱۹۱۸ یا شوراهای کارگری آلمان در سال ۱۹۱۸ تا ۱۹۱۹. این تشکل ها مستقیماً قدرت سیاسی را در دستور کار خود قرار میدهند تا نهادی را به وجود آورند تا توسط آن کارگران بتوانند در مقررات سیاسی جامعه مسلط شوند که نمونه آن در تاریخ ایران وجود نداشته است.

دکتر سعیدی درباره تشکل های مستقل کارگری گفت که این تشکل ها باید در سه عرصه استقلال داشته باشند.

استقلال از دولت، از کارفرماها و مدیران و استقلال از احزاب سیاسی چه چپ و چه راست.

در دهه های دهه ۱۳۷۰ بحث با نام، و چه داند اما در زمینه استقلال از احزاب سیاسی، منظره ای است. نیست که احزاب سیاسی اجازه نداشته باشند تا نتوانند

اعضای آنها در تشکل های مستقل کارگری فعالیت کنند؛ و به معنای حذف فیزیکی اعضای احزاب سیاسی هم نیست، بلکه به این معناست که تشکل کارگری مستقل تصمیمات را بر مبنای موازین خود تشکل اتخاذ کند و برنامه و اساسنامه را خود آنها تعیین کنند. نهاد های مسئول این تشکل به اعضای تشکل پاسخگو باشند و نه به هیچ حزب یا کمیته مرکزی احزاب سیاسی. اما متأسفانه هنوز در بعضی از احزاب و سازمان های سیاسی خارج از کشور این موضوع جا نیفتاده است.

آخرین سخنران پانل صبح یکشنبه حوری صبا، فعال جنبش کارگری مقیم کانادا بود. حوری صبا، تنها زن سخنران سمینار، سوژه سخنرانی اش "تأملی بر مسئله مستقل کارگری" بود.

حوری صبا، فعالیت سیاسی را از سال های ۵۰ شروع کرده است. چند سال قبل از انقلاب در پارس الکترونیک کار میکرد و در دوران انقلاب در بخش نساجی به کار پرداخته و سپس در کارخانه کفش ملی، تا ۶ سال پیش که به اجبار ایران را ترک کرده است. حوری صبا به گفته خود در این سال ها بسیار آموخته است و تا آنجا که میتواند درباره تجربیات حرفه اش صحبت کرده و اگر شده اعلامیه های مربوط به مسائل کارگری را پخش کرده است.

حوری صبا سخنان خود را با ارائه آماری درباره وضعیت شغلی زنان ایران آغاز کرد و گفت: "سهم زنان شاغل در بخش صنعت در سال ۱۳۷۵ ۸ درصد به ۱۳/۶ درصد افزایش پیدا کرده است. مفهوم این آمار این است که زنان کارگر بیشتر شاغل شده اند اما حقیقت این است که در این سالها هیچ نوع خبری از زنان کارگر یا جنبشی در میان زنان کارگر در نشریات مخصوص کارگران به چاپ نرسیده است. مثلاً نشریه کار و کارگر چاپ ایران ممکن است خبرهای مربوط به زنان کارگر را حذف کرده باشد اما جنبه دیگر مسئله این است که زنان کارگر واقعاً فعالیتی از خود نشان نداده اند.

حوری صبا بحث خود را بر این محور قرار داد که چرا زنان کارگر حرکتی از خود نشان نمیدهند و مشکلاتشان چیست؟ و به بیان دیگر زن بودن و کارگر بودن چه مسائلی را پیش پای او قرار میدهد.

حوری صبا به این اشاره کرد زنی که وارد یک کارخانه میشود در واقع در ۲ معامله شرکت میکند اول در معامله طبقاتی نیروی کار خود را میفروشد مانند بقیه کارگران و دوم در یک معامله جنسی به در پیش گرفتن نوعی رفتار زنانه رانده میشود و این مفهوم دارد. معامله طبقاتی ناظر بر نقطه ای است که زنان وارد بازار کار میشوند. او در این رابطه به نوع استخدام و گزینش زنان که اکثراً به دلایل شرایط مشخص زنان کارگر و این که بچه دارند یا این که شوهرشان مرده باشد اشاره کرد.

در اکثر موارد در سالهای پس از انقلاب استخدام ها به صورت معرفی زنان نیازمند به کار از سوی آشنایان یا افراد با نفوذ محل و در رابطه با وضعیت مشخص آنان صورت گرفته است. این وضعیت در آغاز ورود به محیط کار تعیین میکرد که زن باید در کدام رشته از مشاغل وارد شود که مثلاً در صنعت نساجی، قرقره سازی، کفش سازی، خیاطی و یا در صنایع الکترونیکی؛ یعنی فقط وارد خط های تولید میشوند. در واقع تقسیم کار جنسی به نوعی کارهای کلیدی و فنی را به مردان واگذار میکرد و مواردی را هم که زنان سعی کردند در بخش های فنی وارد شوند شرایط کار در بخش های فنی آنها را مجبور میکرد که به قسمت زنانه بیایند و به کارهای "زنانه" بپردازند.

چنین زنانی طبعاً هیچ گونه امکان ارتقاء شغلی ندارند چون در بخشی کار میکنند که تحرک زیادی ندارد. بنابراین نمیتوانند شبکه ای از روابط میان خود ایجاد کنند و بدون داشتن شبکه روابط نمیتوانند ترقی کنند. این وضعیت در مورد مردان وجود ندارد.

در شرایط بحرانی تر زنان کارگر نخستین ضربه ها را دریافت میکنند. یعنی نخستین گروه بیکار شدگان از بخش زنان انتخاب میشوند و شغل های آنان به مردان داده میشود و یا مثلاً اضافه کاری که در دوران رونق یک امتیاز محسوب میشود در شرایط بحرانی نخست از زنان دریغ میشود.

حوری صبا در بخش پرسش و پاسخ درباره این که اگر خارج از جنسیت زنان به این باور برسند که زن و مرد مساوی اند بنابراین بهتر میتوانند به حقوق مساوی برسند، گفت: "همه صحبت ها بر سر همین "اگر" است. چرا که در جامعه "اگر" و "با" و "مه" و "خورشید" و "فلک" تا زن ها به این باور نرسند، حتی به نوعی باورهای جنسیتی در زنان باز تولید میشود و حقوق زنان به طور کلی و زنان کارگر بویژه معطوف به همین "اگر" است."

علیرضا ثقفی، مهدی کوهستانی در پانل بعد از ظهر یکشنبه

بعد از ظهر دومین روز سمینار جنبش کارگری آخرین پانل با سخنرانی علیرضا ثقفی، نویسنده و محقق مسایل اقتصادی و کارگری (مقیم ایران) با عنوان تاثیر جهانی شدن بر طبقه کارگر ایران آغاز شد.

علیرضا ثقفی در بخشی از سخنان خود گفت که حکومت قادر نیست مسائل و مشکلات اقتصادی کنونی را حل کند. دولت هیچ برنامه ای برای مقابله با مشکلات اقتصادی ندارد. دولت جمهوری اسلامی با به وجود آوردن برخی سازمانهای غیردولتی یا آزاد گذاشتن مراسمی چون ۸ مارچ که امسال برای نخستین بار مکان مشخصی به برگزار کنندگان داده شد و جمعیت زیادی هم شرکت کرد، در حقیقت به نوعی بن بست هایی را که خود حکومت به آن رسیده به نمایش میگذارد. چه مبارزات زنان و چه مبارزات کارگران یا تشکل های مستقلی که میخواهند به وجود بیایند، به طور عمده مسائلی نیست که از داخل مبارزات جوشیده باشد و نمایندگانی از داخل مبارزات تعیین شده باشند. دولت آنقدر با مشکلات مواجه است که در بسیاری جهات خواهان این است که دیگران بیایند و به نوعی به دولت کمک کنند تا مشکلات حل شود.

علیرضا ثقفی اشاره کرد:

مسئله جوانان بیکاری که هر روز در خیابانها دیده میشوند و دولت هیچ کاری نتوانسته است برای آنها انجام دهد، معضلی برای همه جامعه است. این معضل جنایت را افزایش داده است و امنیت وجود ندارد. خود دولتمردان جمهوری اسلامی بارها و بارها اذعان کرده اند که امنیت در خیابانها وجود ندارد. زن ها از ساعت ۸ شب به بعد برای رفت و آمد در خیابانها از لحاظ امنیتی مشکل دارند. دزدی، فساد و چنین معضلاتی پیشروی دولت است و اصلاح طلبان بخشی از این مشکلات را متوجه شده اند و به خاطر اینکه به نوعی با این مسائل مقابله کنند دست یاری به سوی دیگران نیز دراز کرده اند. من فکر نمیکنم که این مسئله به این صورت مطرح باشد که از داخل جنبشی روئیده باشد و این جنبش به دستاوردهایی رسیده باشد. هنوز چنین چیزی مشاهده نمیشود. اما شورهای کوری وجود دارد که عمدتاً مربوط به بن بست هایی است که دولت در هر زمینه در برابر آن قرار گرفته است.

علیرضا ثقفی در پایان سخنان خود درباره صنایع کوچک ایران در ارتباط با پدیده جهانی شدن گفت:

صنایع کوچک که در ایران بسیار وسیع است نه به صورت سنتی و نه به صورت صنعتی به معنای جدید است، بلکه ترکیبی از صنعت و سنت است. صنایع کوچک در ایران با سختی با مشکلات دست و پنجه نرم میکنند و به کار خود ادامه میدهند. این صنایع به هیچ عنوان قابل طرح در سطح صنایع جهانی نیستند. مشکلات این صنایع بسیار خاص است. اگر دولت کارگاههای زیر ۵ نفر را از شمول قانون کار معاف میکند، به نوعی میخاهد عدم سوددهی این صنایع را با فشار به کارگران حل کند. اگر مشکلاتی که این کارگاهها دارند، بخواید با تعویض ماشین آلات یا به روز شدن و مدرنیزه شدن حل شود سرمایه زیادی میخاهد که دولت در اختیار ندارد. از طرفی هم اگر دولت از این صنایع بخواید حقوق کارگران را رعایت کند، اغلب این صنایع ورشکست خواهند شد و نخواهند توانست به کار ادامه دهند چون نه سوددهی دارند نه توان مقاومت. این مشکل بسیار بزرگی است که جامعه با آن مواجه شده است. دولت سعی میکند با فشار آوردن به کارگران از یک طرف این مسئله را حل کند. یعنی از حقوق کارگران بگذرد و به صاحبان صنایع کوچک بدهد که امکان پذیر نیست و موجب تنش های کارگری خواهد شد. دولت از طرف دیگر هم حاضر نیست به این صنایع کمک کند. در نتیجه تنش در این بخش که گروه کثیری از کارگران در آن مشغولند روز به روز زیادتر میشود. آخرین سخنران سمینار جنبش کارگری مهدی کوهستانی، رئیس شورای اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا در تورنتو و رئیس اتحادیه کارگران خدمات عمومی کانادا - لوکال ۳۲۶۱ بود که سخنان خود را با عنوان "از یک شعار تا واقعیت: همبستگی بین المللی کارگران، ملزومات و راهکارها" ایراد کرد.

مهدی کوهستانی قبل از مطرح کردن سوژه سخنانش از همسران برگزارکنندگان سمینار سپاسگزاری کرد که با تلاش بسیار و با وجود مشکلات فراوان موجب برگزاری بهتر سمینار شدند.

مهدی کوهستانی در آغاز سخنان خود گفت که بحث از طبقه کارگر جدا از همبستگی بین المللی نیست. یعنی تا زمانی که از جهانی شدن و کارکردهای آن سختی گفته نشود بحث درباره هر نوع تشکل در جامعه ایران بحثی انتزاعی است و حداقل در نقاطی که ما در خارج از کشور کار میکنیم باید شرایط موجود را ببینیم. اتحادیه هایی که در کشورهای خارج کار میکنند باید تجربیات آنها را به داخل کشور انتقال دهیم. کوهستانی با اشاره به تجربیات شخصی خود در زمینه فعالیت های اتحادیه های کارگری در کانادا گفت:

ما امروز به اتحادیه هایی در کانادا برخورد میکنیم که باید آرزو کنیم هرگز چنین اتحادیه هایی در ایران به وجود نیاید. یعنی نبودن چنین اتحادیه های کارگری بهتر از بودن آنهاست. کارگران در محیط کار هرروز سعی میکنند اتحادیه را از بین ببرند تا کسی در پشت درهای بسته نتواند برای آنها تصمیم گیری کند.

کوهستانی ابراز امیدواری کرد که شوراها یا تشکل های کارگری که امروز در ایران مورد بحث است، گوشه چشمی به واقعیت زندگی کارگرانی که دچار مشکلات فراوان هستند، داشته باشند. در این جامعه کانادایی من به این نتیجه رسیده ام که باید بدون هرگونه شعار، کمربندها را برای مبارزه محکم و حرکت کرد.

مهدی کوهستانی درباره پدیده جهانی شدن گفت:

این پدیده واقعیتی است که هرروز قابل مشاهده است. انحصارات امروز بیشترین منافع را در نبود یک آلترناتیو اقتصادی سیاسی از آن خود میکنند. امروز مالیات نه در جهت کمک به عموم مردم و در جهت بهداشت و تحصیل و مسکن و خدمات اجتماعی، بلکه در جهت هرچه کمتر شدن ابتدایی ترین حقوق در جهت کالایی شدن آنهاست. یعنی اگر صدسال برای حق تحصیل، مسکن و بهداشت مبارزه شده، امروز این حقوق به یک کالا تبدیل شده است. تا پول ندهید نمیتوانید تحصیل کنید.

در زمینه قوانین کار، امروز در جامعه کانادا ۱۴۰ سال عقربه ساعت کار را به عقب برگردانده اند. امروز در بریتیش کلمبیا و انتاریو ۶۰ ساعت کار در هفته برقرار شده است. امروز فشرده کاری، و بیکاریهای وسیع گسترش مییابد و تا زمانیکه نتوانیم مشکل شویم وضع از این هم بدتر خواهد شد.

مهدی کوهستانی در بخش دیگری از سخنان خود گفت:

برخلاف تبلیغاتی که هرروز دستگاههای جهانی درباره جنبش مخالف میکنند و میگویند این جنبش ضدجهانی شدن است، باید تأکید کرد که جنبش کنونی بر ضد انحصارات است و نه جهانی شدن. یکی از کارکردهای انحصارات امروزه سد هر نوع تشکل و فعالیت صنفی سیاسی است. کوهستانی یکی از مشکلات اساسی امروز را روشنفکران معتقد به طبقه کارگر دانست و گفت که این گروه بحث های خود را به طور جدی و زمینی مطرح نمیکند. بارها به کسانی که دم از چپ و تئوری میزنند گفته ام که ۲ نفر کارگر به جلسات شما میفرستیم اگر از بحث های شما چیزی سرر آورند، هر چه بگوئید میپذیرم. امروز روشنفکران مدافع طبقه کارگر با خود کارگران در دو دنیای کاملاً متفاوت زندگی میکنند.

مهدی کوهستانی در نتیجه گیری سخنان خود گفت:

همبستگی بین المللی نه حرف تازه ای است و نه تعریف جدیدی از شعار "کارگران جهان متحد شوید". چرا که همبستگی بین المللی امروز بیش از هر زمان دیگری در طول دو قرن گذشته رشد کرده و شکل متفاوتی با آنچه که در طول این دوران بوده پیدا کرده است. امروز همبستگی مفهومی متفاوت پیدا کرده و برجستگی خود را در این موضوع یافته که بیان کنندگان آن، نه در بالا، بلکه در پایین جامعه قرار دارند. جوانان، زنان، طرفداران صلح، جامعه مدنی، دانشجویان، محیط زیست، سازمانهای غیردولتی، بیکاران و بی خانمانها و کارگران جنبشی را تشکیل داده اند که رگه هایی از هر کدام از این گروهها دارد، اما متعلق به هیچکدام و نماینده هیچکدام نیست. این جنبش به دور از یک خط مسلط میآید. نیروهای پایینی در عین همکاری و همیاری و همدلی جنبش ضدانحصارات را نمایندگی میکنند. جنبشی که هرروز مشکلات خاص خود را دارد، اما از پای نمی افتد. این جنبش متحد مزدبگیران و سرکوب شدگان در جوامع امروز هستند. صدای رسای آنان در حمایت از حق تشکل، قرارداد دسته جمعی، اعتصاب، امنیت شغلی و ایمنی کار، امنیت سیاسی اجتماعی، بهتر شدن دستمزد، حق اقلیت ها و زنان و جوانان در جامعه برخاسته است. یکی از وظایف مهم ما به عنوان مزدبگیران به دور از فرقه گرایی و مصلحت اندیشی های شخصی و گروهی حمایت از این جنبش و پیوند با آن است.

در ساعت ۴:۳۰: بعدازظهر روز یکشنبه دوم جون، "سمینار جنبش کارگری ایران، موانع و چشم اندازها" خاتمه یافت.

نگارنده: اب. سمنا، نه عنان بک. از نخستین اقدامها، اصل. د. ا. د. س. ه. تحلی. مسائ. مه حد د. جامعه کار، ه کارگ، ا. ان قانا. ته حه

بسیار است و جا دارد از بانیان برگزاری این سمینار سپاسگزاری کرد. برگزاری جلسات با نظم و متانت قابل توجهی برگزار شد. گردانندگان پانل ها، مریم نیکفر، امیر پیام، خلیل ورمزیاری و پروین صمدزاده جلسات را به خوبی اداره کردند. مهدی زهرایی در اداره کل جلسات نقش شایسته ای ایفا کرد. تلاشهای مهدی کوهستانی به عنوان یکی از بانیان برگزاری سمینار و چند تن دیگر که در زمینه تدارکات کوشیده بودند نیز شایسته قدردانی است.

محمدرضا عاشوری

دکتر ناصر سعیدی

حوری صبا

علیرضا ثقفی

مهدی کوهستانی